

سبک زندگی، مشارکت و رقابت سیاسی با تأکید بر آیات و روایات

آیت مظفری*

(۱۶۰-۱۳۹)

چکیده

از دیرباز، سبک زندگی از جمله سبک زندگی اسلامی، مهم‌ترین بخش گفتار و نوشتار بشر بوده است (تاریخچه)، با این وصف، تأثیر سبک‌های زندگی به‌ویژه، سبک زندگی اسلامی در کاهش یا افزایش مشارکت و رقابت سیاسی، کمتر توجه شده است (مسئله). البته این موضوع منابع مستقیم، یا نظریه آشکاری ندارد که رابطه بین دو متغیر یاد شده را کاویده باشد (پیشینه). در نتیجه همچنان با پرسش از تأثیر سبک زندگی اسلامی بر مشارکت و رقابت سیاسی مواجه ایم (سؤال). سبک زندگی اسلامی به دلیل تأثیر در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، به لحاظ هدف و ابزار در نوع مشارکت و رقابت سیاسی به صورت اساسی اثرگذار است (فرضیه). هدف از این پژوهش پاسخ‌گویی به یکی از مسائل جامعه امروز ایران، یعنی تبیین رابطه بین سبک زندگی اسلامی و مشارکت و رقابت سیاسی است (هدف). شیوه پژوهش این مقاله، درون‌دینی و استقرایی است و نتایج با جست‌وجو در آیات،

*. استادیار پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - Mozaffari.ayat@gmail.com

روایات و آموزه‌های مرتبط با سبک زندگی و نقش آن در مشارکت و رقابت سیاسی به دست آمده است (روش). تأثیر اساسی سبک زندگی اسلامی از جمله تقوا و شورا و نظایر آن در مشارکت و رقابت سیاسی بخشی از نتایج این نوشتار است (یافته).

واژگان کلیدی

سبک زندگی، اسلام، مشارکت، رقابت، سیاست

مقدمه

از عوامل مهم در توسعه سیاسی کشور، میزان بالای مشارکت سیاسی مردم است. حضور آگاهانه، داوطلبانه و فعال مردم در صحنه‌های سیاسی، احساس مسئولیت و حساسیت به سرنوشت خود و جامعه، حاکی از زنده بودن ملت و استمرار حیات سیاسی آن جامعه است. در یک نظام سیاسی پیشرفته از سویی ضروری است تا مردم برای تعیین سرنوشت‌شان در عرصه‌های سیاسی مشارکت فعال داشته باشند، و از سوی دیگر دولت‌ها برای مردمی‌ماندن ناچارند تا زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی را فراهم سازند.

از جمله اهداف مهم انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در پرتو تعالیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله روی کار آوردن نظامی مردمی و اسلامی با نام جمهوری اسلامی بود تا زمینه‌های لازم برای تحقق مشارکت و رقابت سیاسی واقعی فراهم آید. امروزه هر فرد آگاهی، آشکارا مشاهده می‌کند که در جمهوری اسلامی ایران مردم بارها در انتخابات فراوان و همه‌پرسی‌ها مشارکت و رقابت سیاسی فعالی داشته‌اند. حضور پررنگ مردم در همه‌پرسی‌ها و انتخابات متعدد از سویی از علاقه شدید مردم برای تعیین سرنوشت‌شان حکایت می‌کند، و از سوی دیگر فراهم‌سازی امکانات لازم برای حضور عینی و ملموس مردم در صحنه‌های سیاسی به وسیله مسئولان نظام جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد.

شرکت در همه‌پرسی نوع نظام و قانون اساسی، نیز انتخابات متعدد از خبرگان قانون اساسی و رهبری تا انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای

شهر و روستا، همه گواه بر مشارکت و رقابت سیاسی بالای مردم به لحاظ کمی و کیفی در طول بیش از سه دهه عمر نظام جمهوری اسلامی ایران است.

بی گمان عوامل یا متغیرهای گوناگونی در کمیت و کیفیت مشارکت، و رقابت سیاسی اثرگذارند. دین، مکتب، مذهب، فرهنگ، ویژگی های فردی، نظام سیاسی، خانواده، طبقه اجتماعی، قومیت، نژاد و... از جمله این عوامل اند. در این میان سبک زندگی از متغیرهای اثرگذار است که در دین، مکتب، مذهب و فرهنگ ریشه دارد و سبک زندگی از اصطلاحات علوم دیگر است که بیانگر شیوه زندگی و نوع تعامل انسان با خود و دیگران و نظام سیاسی است. شکی نیست که در جهان سبک های زندگی متفاوتی وجود دارد؛ مانند سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی اروپایی و سبک زندگی آمریکایی.

به طور طبیعی در این مقاله با توجه به انتساب سبک زندگی به اسلام، پاسخ گویی به این پرسش تابعی از نظریه های مربوط به رابطه دین و سیاست است؛ یعنی اگر مانند لیبرال ها به سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست معتقد باشیم، یا همچون مارکسیست ها دین و سیاست را تابعی از اقتصاد بدانیم، آن گاه از دیدگاه ما، بین سبک زندگی اسلامی و مشارکت و رقابت سیاسی رابطه ای وجود ندارد؛ زیرا یا دین را در حوزه خصوصی محدود خواهیم کرد (دیدگاه لیبرال)، یا آن را امری روبنایی و خرافی می دانیم و انکار خواهیم نمود (دیدگاه مارکسیسم). اما با پذیرفتن نظریه وحدت یا پیوند دین و سیاست، که نگارنده بر این باور است، تأثیر این دو متغیر بر یکدیگر محرز خواهد بود. البته این نکته برای هر فردی که به ماهیت سیاسی دین اسلام، سنت و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امامان و بزرگان اسلام توجه کند، آشکار است. در این میان آنچه مجهول است، جهات اثرگذاری سبک زندگی اسلامی بر مشارکت و رقابت سیاسی بر اساس آیات و روایات است.

مفهوم‌شناسی

اصطلاح «سبک زندگی» رامی‌توان معادل «سیره» و «سنت» در ادبیات اسلامی قرار داد که قول، فعل و تقریر (سکوت، تایید و امضای) معصوم، یعنی رسول خدا، محمد بن عبدالله ﷺ، و امامان دوازده‌گانه شیعه را دربر می‌گیرد. با آنکه این اصطلاح در دنیای اسلام از زمان صدر اسلام مطرح است، و نیز در کنار قرآن، عقل و اجماع با عنوان سنت از منابع چهارگانه اسلام می‌باشد، اما امروزه نیز رواج گسترده‌ای یافته است. گفته می‌شود آلفرد آدلر^۱ اصطلاح «life style» (سبک زندگی) را در جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی غرب در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ بازیابی و رواج داده است. در مجموع سبک زندگی، مسایلی مانند چگونگی عبادت، نحوه پوشش، الگوی مصرف، کسب درآمد، رفتار و تعامل با دیگران، نوع مسکن و وسیله نقلیه و تفریحات را دربر می‌گیرد. براساس سخن آیت‌الله مصباح یزدی، واژه سبک زندگی که در ادبیات امروزی به مثابه واژه‌ای کلیدی مطرح شده است، از نظر لغوی و موارد کاربرد، گستره وسیعی دارد؛ یعنی می‌توان آن را از رفتارهای خاصی که هر فردی برای زندگی‌اش برمی‌گزیند تا رفتارهای خانوادگی، فامیلی، محلی، شهری، کشوری و بین‌المللی تطبیق داد؛ از این رو می‌توان سبک زندگی را ویژگی‌های رفتاری انسان تعریف کرد. (islamiclifestyle91.blogfa.com/post/5 :1392)

در واقع سبک زندگی، نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می‌بخشد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند، و به آنان هویت‌هایی متمایز می‌بخشد. از این حیث سبک زندگی، مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره فرد و برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی اوست که مصرف، معاشرت، پوشش، بیان و سخن گفتن، ادبیات محاوره‌ای، تفریح، اوقات فراغت، آرایش ظاهری، خوراک، معماری و شهرسازی، دکوراسیون منزل، آداب دینی و مناسک مذهبی-عبادی

و... را شامل می‌شود، و نشانه‌ای روشن از عقاید، باورها، ارزش‌ها، و علایق ماست که ترکیب آنها هویت شخصی و اجتماعی ما را می‌نمایاند (مجله اینترنتی سبک زندگی). "سبک زندگی، ضرورت مهندسی اجتماعی انقلاب اسلامی"، ۲۰ مهر ۱۳۹۲).

در تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، سبک زندگی اسلامی اصول و الگوهای حاکم بر رفتار فرد و خانواده در خصوص فرد، خانواده و اجتماع برای نیل به کمال دنیا و آخرت را شامل می‌شود. (سخنرانی رهبری: ۱۳۹۱/۷/۲۳). با توجه به آنچه بیان شد، در حقیقت سبک زندگی در ابعاد مختلف زندگی اعم از سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی مطرح می‌شود.

«مشارکت» نیز به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است؛ درباره مشارکت سیاسی تعاریف گوناگونی وجود دارد؛ مثلاً می‌رون و وینر^۱ آن را چنین تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفقی یا ناموفقی، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخابات رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است» (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰ و ۲۱). میل برات^۲ نیز مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر گذاشته، و یا قصد اثرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد» (همان).

در تعریفی دیگر مشارکت سیاسی،^۳ یا همان، درگیر شدن فرد در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی، از درگیر نشدن تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). همچنین به نظر هانتینگتون^۴ مشارکت سیاسی عبارت است از «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۷۷). در مجموع می‌توان گفت در واقع منظور از مشارکت سیاسی شرکت افراد در

1 . Myron Weiner.

2 . Milbrath.

3 . Political Participation.

4 . Huntington.

صحنه‌های مختلف مربوط به قدرت و حکومت و تعیین سرنوشت حاکمیت در جامعه است. شرکت در انتخابات مختلف، شرکت در تظاهرات و تجمعات سیاسی، عضویت و هواداری از احزاب، گروه‌ها، جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و به‌طور کلی حضور و شرکت فعال افراد در صحنه‌های مربوط به قدرت و حکومت و تعیین سرنوشت جامعه، بیانگر وجود مشارکت سیاسی در کشور است.

رقابت سیاسی^۱ نیز در پرتو مشارکت سیاسی شکل می‌گیرد و به معنای تلاش برای کسب قدرت و کرسی‌های حاکمیت از راه شرکت در انتخابات و با استفاده از ابزارهای قانونی است.

مباحث نظری

متغیرها یا عوامل مختلفی بر مشارکت و رقابت سیاسی اثرگذارند. اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناختی در مباحث‌شان این عوامل را بررسی کرده‌اند، اما نگارنده به نظریه‌ای که نقش سبک زندگی در مشارکت و رقابت سیاسی را بررسی کرده باشد، دست نیافت. با توجه به این نکته در ادامه نظریه‌های یادشده را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. انگیزه و منافع فردی: طبق این نظریه، متغیر اصلی مؤثر در مشارکت و رقابت سیاسی، انگیزه‌ها، منافع و تصمیم فردی است. بر این مبنا هر انسانی تحت تأثیر عقل و تصمیم عقلانی و با در نظر گرفتن منافع خود یا منافع گروهش به مشارکت و رقابت سیاسی روی می‌آورد. به تعبیر آنتونی داونز:^۲

هرگونه رفتار سیاسی، حاصل تصمیم فردی بازیگر و انتخاب عاقلانه اوست که از میان گزینه‌های مختلف که پیش روی او قرار دارد، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که به بهترین شکل اهداف او را تأمین می‌نماید... رأی دهنده با در نظر گرفتن منافع که انتظار دارد از پیروزی این حزب یا جریان و جناح عایدش شود، به گزینش دست

1 . Political Competition.

2 . Anthony Downs.

می‌زند و در انتخابات شرکت می‌کند. اولسون^۱ نیز نفع شخصی عقلانی فرد را عاملی مهم در مشارکت سیاسی می‌داند (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶)؛

۲. انگیزه، ارزش‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی: این نظریه بر آن است که که عمل فردی و گروهی ریشه در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارد؛ یعنی مشارکت و رقابت سیاسی، متأثر از عوامل اجتماعی و جامعه‌شناختی است. بر این مبنا منزلت اجتماعی، نهادها و سازمان‌های صنفی و شغلی، اتحادیه‌ها، نیز مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی بر مشارکت سیاسی افراد اثر می‌گذارند. بر اساس این دیدگاه منزلت اجتماعی بالاتر، و احساس توانایی و قدرت اثرگذاری بر تصمیمات سیاسی فرد را تشویق می‌کند تا به فعالیت سیاسی-اجتماعی روی آورد و به مشارکت و رقابت سیاسی بپردازد. می‌توان این دیدگاه را در نظریات هانتینگتون و نلسون در بحث از فرایند توسعه سیاسی پی گرفت. از دیدگاه آنان عضویت و مشارکت فعال در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، شغلی و صنفی و ... احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی، مشارکت در امور سیاسی، تظاهرات سیاسی و ... را بیشتر می‌کند (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴-۵۶).

در همین رابطه هر قدر میزان جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر شود، فرد بیشتر مشارکت‌جو می‌شود و در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌کند، در غیر این صورت ممکن است به انزوا و درون‌گرایی روی بیاورد. بر این اساس، جامعه‌پذیری سیاسی در رفتارهای گوناگون مشارکت و رقابت سیاسی و اجتماعی مانند رأی‌دادن، حمایت از احزاب و جریان‌های سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌ها و مبارزات سیاسی و انتخاباتی و همچنین امور و مجامع صنفی تجلی می‌یابد (قوم، ۱۳۷۴: ۷۸). درباره تأثیر جامعه‌پذیری سیاسی در مشارکت و رقابت سیاسی می‌توان به دیدگاه‌های لوسین پای^۲ و آلموند^۳ مراجعه کرد. همچنین لازم است هنگام بحث از نقش عوامل اجتماعی به عملکرد نظام

1 . Olson.

2 . Lucian Pye.

3 . David Almond.

سیاسی و مسئولانش توجه کرد؛ هر قدر عملکرد مسئولان نظام سیاسی بهتر باشد، و اعتماد افراد و گروه‌های سیاسی را بیشتر جلب کرده باشد، میزان مشارکت و رقابت سیاسی نیز بیشتر خواهد بود؛

۳. باورهای مذهبی و عقاید سیاسی: متغیر اساسی دیگر که بر رفتار سیاسی افراد از جمله بر مشارکت و رقابت سیاسی موثر است، باورهای دینی-مذهبی و عقاید مکتبی و سیاسی است. در این باره می‌توان به دیدگاه‌های مارتین لیپست^۱ و رابرت دوز^۲ اشاره کرد. لیپست و دوز هنگام بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار سیاسی مردم در آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا عوامل متعددی را یافته‌اند که باورهای مذهبی از جمله آنهاست. افزون بر اعتقادات، جنسیت، سن، نژاد، طبقه اجتماعی، شهری یا روستایی بودن نیز از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی‌اند که البته میزان اثرگذاری‌شان در آن کشورها متفاوت است (لیپست و دوز، ۱۳۷۳: ۳۹۶). رابرت دال^۳ نیز بر نقش عقاید سیاسی، به ویژه عقاید فعالان سیاسی بر رفتار سیاسی تأکید می‌کند. به نظر او کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید سیاسی را انکار کند. وی معتقد است که عقاید فعالان سیاسی بیشترین تأثیر را بر نظام سیاسی دارد (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۸ و ۵۹).

با توجه به آنچه در مباحث نظری آمد، نمی‌توان فقط بر یک متغیر تأکید کرد و در این زمینه نگرش تک‌عاملی^۴ صحیح نیست بلکه می‌توان گفت مجموعه‌ای از این متغیرها در مشارکت و رقابت سیاسی مؤثر است، اما میزان تأثیرشان متفاوت است. در این میان نقش دین و مذهب و عقاید سیاسی مذهبی به ویژه در افراد متدین بسیار برجسته است. البته به صورت مستقیم از تأثیر سبک زندگی بر مشارکت و رقابت سیاسی بحث نشده است، اما آن‌گاه که از تأثیر عقاید دینی و باورهای سیاسی همچنین

1 . Martin Lipset.

2 . Robert Dowse.

3 . Robert Dahl.

4 . monocausal.

انگیزه‌ها و منافع فردی و اجتماعی بر رفتار سیاسی از جمله مشارکت و رقابت سیاسی سخن گفته می‌شود، اثرگذاری سبک زندگی، که ریشه در باورها، عقاید و انگیزه‌ها و منافع فردی و اجتماعی دارد، بر رفتار سیاسی هویدا است. بنابراین با پذیرش نقش آفرینی سبک زندگی بر مشارکت و رقابت سیاسی، می‌توان تأثیر سبک‌های گوناگون زندگی بر مشارکت و رقابت سیاسی را بررسی کرد که از جمله این سبک‌ها، سبک زندگی اسلامی است.

بررسی و استقراء

برای اثبات تأثیر سبک زندگی اسلامی در مشارکت و رقابت سیاسی، ضروری است تا به شیوه درون‌دینی و روش استقرایی در منابع اسلامی به ویژه آیات قرآن کریم، روایات دینی و سخن رهبران مذهبی، رجست و جو کنیم تا دریابیم آیا داده‌های یادشده فرضیه مقاله را اثبات یارد می‌کند. روشن است که در این مقاله، اصل تأثیر سبک زندگی بر رفتار سیاسی، پیش فرض و مسلم دانسته شده است. بر این مبنا در این مقاله در پی روشن کردن تأثیر سبک زندگی اسلامی بر ابعاد یا جهات مشارکت و رقابت سیاسی ایم.

نگارنده با مطالعه منابع اسلامی، آموزه‌های اسلام را درباره موضوعاتی که آورده می‌شود و معطوف به سبک زندگی اسلامی در سه حوزه فردی، اجتماعی و حکومتی است، شاهدی برای اثبات فرضیه خود یافته است. در دین اسلام با توجه به ماهیت سیاسی اش می‌توان شواهد فراوانی در این باره یافت که ما در هر زمینه فقط به بیان چند مورد اکتفا می‌کنیم:

الف) حوزه فردی: از مهم‌ترین اصولی که اسلام برای فرد مسلمان در سبک زندگی فردی و اجتماعی برمی‌شمارد، تفکر، تدبیر و بهره‌گیری از خرد است. قرآن صاحبان عقل یا **أُولِي الْأَلْبَابِ** را فراوان ستوده و از سوی دیگر آنان که از عقل‌شان استفاده نمی‌کنند، بارها نکوهیده است؛ تا آنجا که بدترین جنبنده نزد خداوند بی‌خردانند: **«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ**

عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ: بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند» (انفال: ۲۲). رسول خدا ﷺ به ابن مسعود می‌گوید: «ای ابن مسعود هرگاه خواستی کاری کنی از روی دانش و خرد باشد. از کار بدون دانش و تدبیر پرهیز» (الطبرسی، ۱۳۹۲: ۴۵۸).

امام علی علیه السلام نیز در وصیت به فرزندش محمدبن حنفیه می‌فرماید: مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ غَيْرَ نَاطِرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِمُفْطَعَاتِ النَّوَائِبِ، وَ التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ: هر کس در کارها بدون توجه به فرجام آن وارد شود، خود را در معرض رخدادهای بسیار زشت و ناپسند قرار می‌دهد و تدبیر پیش از عمل تو را از پشیمانی ایمنی می‌بخشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۹).

همان‌گونه که واضح است، این توصیه مطلق کار را مدنظر دارد و در آن کارهای سیاسی استثنا نشده است. حال که اهمیت اندیشیدن، تفکر و تعقل در سبک زندگی اسلامی آشکار شد، بی‌گمان یکی از مهم‌ترین اموری که شایسته است تا فرد مسلمان در زندگی‌اش خود به آن توجه کند، تفکر و تدبیر در مسایل سیاسی و حکومتی است، و بی‌تردید مسلمان لازم است تا با تفکر در سرنوشت جامعه و برای جلوگیری از حاکمیت افراد ناصالح در صحنه‌های سیاسی حضوری آگاهانه، و همراه تدبیر داشته باشد و هنگام مشارکت سیاسی و رأی دادن جوانب امر را بسنجد و درباره‌ی اینکه در رقابت سیاسی به چه کسی رأی دهد، بیندیشد؛ از سویی دیگر تأکید فراوان اسلام به رعایت تقوا و پرهیز از فساد-قرآن کریم و روایات سرشار از چنین مطالبی است و ما به سبب کثرت و روشن بودن‌شان از ذکر مستنداتش خوداری می‌کنیم، در سبک زندگی اسلامی، مسلمان را وامی‌دارد تا ضمن مشارکت در امور سیاسی و حضور در رقابت‌های سیاسی تقواریا مراعات کند. یعنی هدفش از مشارکت سیاسی را عمل به تکلیف دینی و دستیابی به سعادت دنیا و آخرت قرار دهد، نه آن را فرصتی برای دستیابی به منافع محدود دنیایی بداند. همچنین او با خو گرفتن به زندگی اسلامی و لزوم رعایت تقوا از ابزارهای نامشروع استفاده نخواهد کرد.

اصل دیگر در سبک زندگی اسلامی، اهمیت دادن مسلمان به علم و دانش است. در منابع اسلامی بسیار به علم آموزی و فراگیری دانش های مورد نیاز و مفید برای جامعه توصیه شده است. عالم و متعلم از نظر اسلام جایگاهی بسیار والایی دارند. امام علی علیه السلام درباره اهمیت علم و قدرت آن می فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ: یعنی علم و دانش، منبع قدرت است، هر کس به آن دست یابد، غلبه می کند و هر کس که به آن دست نیابد، زیر سلطه قرار می گیرد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰).

حال که رفتار دانش محور در سبک زندگی اسلامی اصل است و این نوع رفتار در امور سیاسی استثنا نشده است، بنابراین دانش جویی در امور سیاسی و اجتماعی نیز برای مسلمان باید اهمیت ویژه ای داشته باشد. در نتیجه این مطلب درباره دانش به نحوه مشارکت سیاسی و حضور در احزاب جریان ها و گروه ها، نحوه صحیح رقابت سیاسی و گزینش نامزدها در انتخابات نیز صادق است. بی گمان همان توصیه های اسلام به رعایت تقوا و پرهیز از فساد که پیش تر به آن اشاره کردیم، مانع از اهداف نامشروع و بهره گیری از ابزارهای فاسد در دانش جویی سیاسی و مشارکت و رقابت سیاسی است.

ب) حوزه اجتماعی: آموزه های اسلام درباره امر به معروف و نهی از منکر، شورا و مشورت، شرکت در اجتماع مؤمنان و مسلمانان، وحدت و انسجام اسلامی را می توان در این حوزه از سبک زندگی اسلامی بررسی کرد. بر مسلمان لازم است در زندگی اش به وحدت گرایی و دوری از تفرقه، شرکت در جماعت مسلمانان، نماز جماعت، عبادت های جمعی و وحدت و همبستگی دینی و ملی توجه داشته باشد و برایش اهمیت ویژه ای قایل شود. کتاب آسمانی مسلمانان، روایات اسلامی و سیره بزرگان اسلام همواره بر وحدت و انسجام تأکید نموده، و از تفرقه، فتنه و فساد اجتماعی نهی کرده اند. قرآن کریم اینچنین ندای وحدت سر می دهد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ و همگی به ریسمان خدا، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!» (آل عمران: ۱۰۳). نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ ذُنْبُ الْإِنْسَانِ كَذُنْبِ الْعَنْمِ يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ فَيَأْكُمُ وَ الشَّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ: شیطان گرگ انسان است [و] همچون گرگ و گوسفند که گوسفندان و امانده و دورافتاده از گله را می‌درد، پس، از دسته بندی‌های (سیاسی و فرقه‌ای) بپرهیزید (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۵۳).

همچنین رسول گرامی خدا ﷺ راه و رسم زندگی را این گونه به مسلمانان می‌آموزد و می‌فرماید: «دشمن همدیگر نشوید و نسبت به هم حسد و کینه نورزید و از یکدیگر روی نگردانید. ای بندگان خدا، با هم برادر باشید. جایز نیست برای مسلمان بیش از سه شب با برادر دینی خود قهر باشد» (محدث نوری ۱۴۰۸، ج ۹: ۹۷). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ: با توده مردم همراه باشید زیرا دست خدا با جماعت است و بترسید از تفرقه و اختلاف؛ زیرا جدا افتاده از جماعت مردم، طعمه شیطان می‌شود همان گونه که جدا شده از رمه گوسفندان طعمه گرگ می‌شود (نهج البلاغه: ۱۲۷).

بنابراین ضرورت توجه به اتحاد و اجتماع مؤمنان که در سبک زندگی اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است، ضرورت مشارکت در اجتماع مؤمنان را به دنبال دارد. روشن است که از مهم‌ترین صحنه‌های تجلی مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی است. نیز همان گونه که وحدت و پرهیز از تفرقه، سرلوحه زندگی مسلمان می‌باشد، او موظف است تا در مشارکت و رقابت سیاسی نیز آنها را سرلوحه کارش قرار دهد. او مجاز نیست در مشارکت و رقابت سیاسی و برای رسیدن به قدرت تفرقه افکنی کند؛ یعنی شعار تفرقه بینداز و حکومت کن در سبک زندگی اسلامی پذیرفته نیست، مسلمان نمی‌تواند با اهداف پلید دنیایی و فتنه و توطئه و تخریب دیگران به قدرت برسد و از ابزارهای نامشروع در انتخابات استفاده کند.

از دیگر روش‌های توصیه شده برای زندگی مسلمانان در اسلام، همکاری با دیگران در امور خیر و همکاری نکردن در امور شر، گناه و دشمنی است. قرآن کریم چنین

دستور می دهد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَيِّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ: و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری باهم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید!» (مائده: ۲). در واقع الگوی اسلام برای مشی و سلوک مسلمان، رفتار بر مبنای سود رساندن به دیگران است. رسول خدا ﷺ می فرماید: «الْمُؤْمِنُ مُنْفَعَةٌ إِنْ مَا شَيْئَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَاوَرْتَهُ نَفَعَكَ وَإِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ مُنْفَعَةٌ: مومن سراسر سود است، اگر همراهش شوی سودت رساند، و اگر با او مشورت کنی، سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت رساند و همه چیز او سودمند است» (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۶۶۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۱).

می دانیم که حل بسیاری از کارها و مشکلات اجتماعی و نیز به ثمر رساندن کارهای خیر و بزرگ بدون اقدام جمعی و همکاری اجتماعی و گروهی امکان پذیر نیست؛ از این رو اسلام به مسلمانان دستور داده است تا در شیوه زندگی شان همگامی، مشورت و مشارکت با مؤمنان و تعاون در خیر را سرلوحه زندگی شان قرار دهند. در تاریخ ثبت است که رسول خدا ﷺ پیش از پیامبری در «حِلْفِ الْفُضُولِ» یا پیمان جوانمردان مشارکت داشت و پس از رسالت و نبوت نیز به شرکت در آن پیمان افتخار می کرد. تردیدی نیست که شرکت در احزاب و تشکل های سیاسی، نیز مشارکت سیاسی و حضور در رقابت های سیاسی سالم و همراه با خداترسی و بانیت خیر و انجام دادن عمل صالح از مصادیق تعاون در بر و تقواست. با مشارکت پر شور در انتخابات و با انتخاب افراد شایسته گام مهمی برای انجام دادن و پیشبرد کارهای خیر و بزرگ برداشته می شود و مانع از ظهور و بروز گناه و دشمنی در جامعه می گردد.

نکته مهم درباره آیه این است که خداوند با تأکید بر نیکوکاری و تقوا و نهی از اثم و عدوان فقط هدف و انگیزه خیر را مشروع می داند، نیز استفاده از ابزار و وسایل نامشروع را در اقدامات تعاونی و دسته جمعی نامشروع می شمارد؛ براین اساس در مشارکت سیاسی و رقابت صحنه های انتخاباتی نیز این حکم جاری است.

اقدام به شور و مشورت در امور مسلمانان از دیگر رفتارهایی است که اسلام از مسلمانان و مومنان انتظار دارد. در سبک زندگی اسلامی در حوزه اجتماعی و سیاسی نه فقط مسلمان بلکه رهبر مسلمانان و شخصیت بی نظیر و معصومی همچون پیامبر اسلام نیز مأمور به مشورت است. خداوند به پیامبرش چنین دستور می‌دهد: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹). و درباره مسلمانان و مؤمنان نیز می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). گرچه معمولاً شور و مشورت در گفت‌وگو و جلسات هم‌اندیشی و مذاکره و مباحثه تجلی دارد، اما منحصر به زبان و گفتار نیست، بلکه در عمل نیز ممکن است تجلی یابد. با این نگرش بیعت کردن و شرکت در انتخابات و رأی دادن در واقع نوعی مشورت عملی است. افراد با مشارکت سیاسی نظرشان را برای انتخاب افراد صالح و حاکم شایسته به نظام سیاسی و دیگران اعلام می‌کنند. تأکید اسلام در سلوک مسلمانی بر شورا و مشورت، چنین معنا می‌دهد که اسلام نظر اکثریت مسلمان را معیار می‌داند. نیز بر مسلمان واجب می‌شود تا با مشارکت سیاسی و حضور در رقابت‌های سیاسی، خود را در معرض نظر و مشورت مسلمانان قرار دهد تا اگر رأی مشورتی اکثریت بر پذیرش مسئولیت او باشد، آن را بپذیرد. پیامبر اکرم ﷺ درباره اهمیت مشورت در کارها می‌فرماید:

إِذَا كَانَ أَمْرًا كُمْ خِيَارُكُمْ وَأَعْيَانُكُمْ سُمَحَاءُكُمْ وَأَمْرُكُمْ شُورَىٰ بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ بَطْنِهَا: هرگاه حاکمان شما از شایستگان و ثروتمندان شما از بخشندگان، و کار شما براساس مشورت باشد، روی زمین از درون آن برای شما بهتر است (سزاوار زندگی حقیقی‌اید)، ولی آن‌گاه که حاکماتان پست، و ثروتمندان بخیل، و کارهایتان را به زنانتان واگذار کنید، درون زمین از روی آن برایتان بهتر است (ابوالفتح رازی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۳۶).

نیز می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هَدَى الرَّشْدَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۵۱). امام علیؑ نیز این چنین راه و رسم مسلمانی را به ما می‌آموزد: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۱). از دیدگاه آن حضرت

مشورت چشمه جوشان هدایت است: «الاسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ» (نهج البلاغه: حکمت ۲۱۱)، نیز حامی و پشتیبانی چون مشورت نیست. (همان: حکمت ۵۴). بر اساس همین اصل شورا است که امروز در جمهوری اسلامی مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا تشکیل شده است و مردم با حضور در انتخابات و مشارکت و رقابت سیاسی نمایندگان خود را برمی‌گزینند.

امر به معروف و نهی از منکر نیز در سلوک مسلمانی جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم در این باره این چنین رسم زندگی را به مسلمانان می‌آموزد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند. اینانند که نیکبخت خواهند بود» (آل عمران: ۱۰۴). بر اساس این آیه تشکیل احزاب و گروه‌های صالح با هدف انجام دادن کارهای خیر، امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند از مصادیق این آیه شریفه باشد که فرد مسلمان بر اساس دستور الهی باید در زندگی اش آن را سرلوحه کارش قرار دهد. همچنین با مشارکت سیاسی و برگزیدن انسان‌های شایسته در انتخابات می‌توان زمینه را برای انجام دادن عمل صالح و کارهای خیر فراهم آورد، همان‌گونه که با انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نیز اعضای شورای شهر و روستا، چنین اقدامی صورت می‌گیرد. در چنین وضعیتی با روی کار آوردن انسان‌های شایسته در عمل، گروهی را به قدرت می‌رسانیم که کار خیر انجام می‌دهند و با کنار زدن افراد ناشایست و شرور، نهی از منکر حقیقی صورت می‌گیرد. طبق آیات و روایات اسلامی، آمران به معروف و ناهیان از منکر از صالحان و مؤمنان و برخوردار از نصرت و رحمت الهی، و از رستگاران‌اند. همچنین برخوردار از سعادت دنیا و آخرت (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۲۰۶)، آرامش و امنیت اجتماعی (الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۵ و ۵۶)، عزتمندی (الطوسی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۷۷) و شکوفایی امور زندگی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۸۷) از آثار عمل به این فریضه است. نیز ترک این دو وظیفه موجب زوال برکت، دعا و سلطه ناهالان ستمگر است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۱۰-۵۱۴).

با دقت در آنچه بیان شد از نظر اسلام نمی‌توان پذیرفت که در مشارکت و رقابت سیاسی منافع فردی، گروهی و هوا و هوس هدف قرار گیرد، یا نمی‌توان از ابزارهای نامشروع در رقابت‌های سیاسی بهره برد؛ زیرا این امور، خود از مصادیق برجسته منکرند؛ از این رو نمی‌توان بر اساس سبک زندگی اسلامی اهداف نامشروع و ابزار نامشروع را در سیاست به کار گرفت.

ج: حوزه حکومتی: توجه و اهتمام به تعالیم اسلام در توصیه‌هایش در زمینه سبک و سلوک زندگی سیاسی و حکومتی مانند شایسته‌سالاری و سپردن امانات به اهلش، حفظ نظام اسلامی، حمایت از رهبری، برقراری عدالت اجتماعی، جلوگیری از حاکمیت اشرار و نااهلان، نیز حفظ استقلال، آزادی‌های مشروع و تمامیت ارضی و مقابله با دشمن، می‌تواند اثبات‌کننده ادعای پژوهش در این حوزه باشد.

از آموزه‌های سبک زندگی اسلامی در حوزه سیاسی و حکومتی «بیعت با امام مسلمانان یا حاکم جامعه» است. «بیعت» به معنای اعلام وفاداری و حمایت از نظام اسلامی و حاکم آن است که در صدر اسلام با دست دادن با امام یا خلیفه مسلمانان صورت می‌گرفت. در واقع بیعت، بیانگر مشارکت سیاسی مردم است که امروزه همان معنا با شرکت در انتخابات یا تظاهرات و اشکال دیگر حمایتی صورت می‌گیرد. پس از قتل خلیفه سوم که مردم به امام علی علیه السلام روی آوردند، ایشان برای پذیرش بیعت مردم دو شرط گذاشتند نخست اینکه در مسجد و آشکار صورت بگیرد؛ و دوم اینکه با رضایت مسلمانان باشد: «فَفِي الْمَسْجِدِ إِنِّي بَيْعْتِي لَأَتَكُونَ خَفِيًّا وَلَا تَكُونَ إِلَّا عَنِ رِضَا الْمُسْلِمِينَ» (ابن اثیر، ۳۸۵ ج، ۳: ۱۹۱). این سخن امام علیه السلام حاکی از آن است که نخست مشارکت سیاسی باید آشکار و شفاف و در منظر عموم مردم صورت بگیرد، و دوم رضایت مردم اصل است. بنابراین بهره‌گیری از روش‌های مخفیانه و تبلیغات فریبنده، خرید آرا و مشارکت بر اساس ترس و زور و اجبار و ... در مشارکت و رقابت سیاسی مجاز نیست. افزون بر این، وفاداری به بیعت و اعلام حمایت از نظام و حاکم اسلامی حقی است که مردم باید در وضعیت‌های گوناگون و مورد نیاز آن را ادا کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ... وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ

فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). بدیهی است با توجه به مقتضیات زمان امروزه این اعلام وفاداری می تواند در انتخابات مختلف مانند خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا و راهپیمایی ها تجلی یابد.

ضرورت بیعت با امام عادل و وفاداری به آن، که الگوی سبک زندگی اسلامی در بعد سیاسی و حکومتی است، مسلمان را وامی دارد تا به صورت فعال به مشارکت و رقابت سیاسی و شرکت در انتخابات بپردازد؛ زیرا آن را وظیفه ای برای خود می داند. همچنین حق امام و نظام عادلانه آن است که مردم درخواستش را بپذیرند، و پیرو وفاداری برای آن باشند: «فَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمْرُكُمْ» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴). در سبک زندگی اسلامی به سخن امام سجاد علیه السلام: «وَوَطَاعَةُ وُلَاةِ الْعَدْلِ تَمَامُ الْعِزِّ»؛ «پیروی از حاکمان عادل سراسر عزت است» (الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۰). در تعالیم اسلامی به مسلمان توصیه شده است تا همراه و خیر خواه نظام و حاکم اسلامی باشد. روشن است که از راه های تحقق این امر، مشارکت در سیاست و رقابت های سیاسی است تا فرد بتواند به جایگاهی دست یابد که همراهی و همکاری بیشتری با حاکم اسلامی داشته باشد. در روایات اسلامی از این خیر خواهی با عبارت: «النَّصِيحَةُ لِلْأئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ...» (الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۰۳) و یاد شده است.

از سویی دیگر روش زندگی اسلامی هر گونه رفتاری را که به حاکمیت طاغوت و اشرار و نااهلان منجر شود، نهی کرده است. امام باقر علیه السلام مسلمان را از هر گونه دوستی با طاغوتیان نهی می کند، آن گاه که به یکی از اصحابش می فرماید: «يَا أَبَا الصَّبَاحِ إِيَّاكُمْ وَالْوَلَائِحَ؛ فَإِنَّ كُلَّ وَكَيْجَةٍ دُونَنَا فَهِيَ طَاغُوتٌ» (العياشي، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۶۶). بنابراین سبک زندگی اسلامی اجازه نمی دهد تا مسلمان هر نوع مشارکت و رقابتی را بپذیرد و در هر حزب و جریان و جناحی، یا در هر تجمع سیاسی حضور یابد. مسلمان و مؤمن حق ندارد در جریانی از سیاست شرکت کند که نتیجه آن ظلم به مردم، چپاول اموال مسلمانان و قدرت یابی انسان های ناصالح شود. نیز اگر مشارکت و نداشتن و شرکت نکردنش در رقابت سیاسی به حاکمیت ستمگران منجر گردد، او مسئول است.

در صورت حاکمیت اشرار، به تعبیر پیامبر اکرم ﷺ، مرگ برای مسلمان سزاوارتر است تا زندگی. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سُمَحَاءُكُمْ وَأَمْرُكُمْ شُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرَ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ بَطْنِهَا» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۱۲۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۷۵).

نیز از اموری که مسلمان باید در زندگی اش آن را رعایت کند، پرهیز از گرایش، دوستی و همراهی با دشمن دین و ملت و سرزمین است. از پیامبر اکرم ﷺ، که به تعبیر قرآن کریم اسوه حسنه و عالی‌ترین الگوی سبک زندگی اسلامی است، نقل شده است که فرمود: «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ: محکم‌ترین دستگیره ایمان، محبت برای خدا و دشمنی برای خدا و دوست داشتن دوستان خدا، و بیزاری از دشمنان خداست» (الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۲۶). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «لباس دشمنان مرانپوشید و غذای دشمنانم را نخورید و به روش دشمنانم رفتار نکنید که اگر چنین کردید از دشمنان من به شمار می‌آیید، چنان‌که آنان دشمنان من اند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۱). بی‌گمان از رفتارهای مهم مسلمان در زندگی اش، چگونگی تعامل او با دوستان و دشمنان سیاسی است و صحنه اساسی آن به مشارکت و رقابت سیاسی برمی‌گردد. مسلمان مبادی آداب اسلامی می‌کوشد تا با شرکت در انتخابات و تظاهرات و احزاب، گروه‌ها، جریان‌ها، جناح‌ها و تجمعات سیاسی خود را در مسیر دوستان خدا و همراه با آنان؛ و در تعارض با دشمنان خدا قرار دهد. او خود را مجاز نمی‌داند که برای رسیدن به قدرت و پیروزی در رقابت سیاسی از دشمن کمک بگیرد، یا با او همراهی و همگامی کند. سبک زندگی اسلامی هرگز اجازه نمی‌دهد تا مسلمان در مشارکت و رقابت سیاسی از ابزار و وسایل نامشروعی که ممکن است دشمن در اختیارش قرار دهد، بهره‌برد. نیز اگر مثلاً دشمن یکی از انتخابات جمهوری اسلامی ایران مانند مجلس یاریاست جمهوری را تحریم کند، الگوی زندگی اسلامی به مسلمان و مؤمن می‌آموزد که باید بر خلاف خواست دشمنان عمل کند؛ یعنی در انتخابات که مظهر مشارکت سیاسی است، شرکت و حضور پرشوری داشته باشد. همچنین اگر در رقابت

سیاسی دشمن از فرد، گروه، جریان و جناحی حمایت کرد، از رأی دادن و همراهی و همگامی با آنان بپرهیزد و در راستای خلاف اهداف دشمن رفتار نماید.

افزون بر آنچه از آیات، روایات و سیره و سخن پیامبر اکرم ﷺ و امامان درباره تأثیر سبک زندگی اسلامی در نوع زندگی سیاسی از جمله نوع مشارکت و رقابت سیاسی بیان شد، توجه به سخن و سیره رهبران اسلامی مانند امام خمینی ﷺ که الگوی سبک زندگی اسلامی در حال حاضرند، ما را در اثبات فرضیه یادشده کمک می‌کند. امام خمینی ﷺ در مقام بزرگ‌ترین اسلام‌شناس در دوره معاصر که خط مشی‌اش همواره بر سلوک اسلامی بود بارها و بارها بر حضور مردم در صحنه سیاست و شرکت در انتخابات تأکید می‌کرد. بنیان‌گذار نظام اسلامی در عصر حاضر بر پایه تعالیم اسلام درباره چگونگی زندگی اسلامی با توجه به تأکیدات دین بر اهتمام به امور مسلمانان و خوب امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت تعاون بر نیکی و تقوا (مائه: ۲). و به‌ویژه و خوب حفظ نظام اسلامی، بر مشارکت و رقابت سیاسی سالم تأکید فراوان داشتند. از نظر ایشان حضور در صحنه سیاست و رقابت‌های سیاسی و وظیفه‌ای دینی و تکلیف شرعی است. این سخن بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به‌روشنی گویای مطلب است، آنجا که می‌گوید: «ما مکلفیم در امور سیاسی دخالت کنیم، مکلفیم شرعاً. همانطور که پیغمبر می‌کرد. همانطور که حضرت امیر می‌کرد» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۵: ۱۶). در جای دیگر سرنوشت ملت و اسلام را به آن وابسته می‌داند: «همه ملت بی‌استثنا به پای صندوق‌ها بروند... سرنوشت ملت و اسلام به او بسته است» (همان، ج ۱۲: ۱۲۷). تردیدی نیست که سبک زندگی امام خمینی ﷺ برگرفته از اسلام است. ایشان افزون بر سخن و بیان، در عمل نیز سبک سیاسی زندگی اسلامی را با حضور در سیاست و انتخابات گوناگون تعلیم می‌داد و بر «حفظ نظام» تأکید فراوان داشت: «آحاد مردم یکی یکی شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا. اهم است، از نماز اهمیتش بیشتر است. برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است» (همان، ج ۱۹: ۴۸۶). بی‌شک از مهم‌ترین راه‌های حفظ نظام اسلامی مشارکت و رقابت سیاسی است، اما با وجود این، مسلمان نمی‌تواند از اهداف نامشروع و ابزارهای

غیرمجاز در این راه استفاده کند؛ همانند امام خمینی علیه السلام که در سیره سیاسی اش همواره بر «رعایت تقوا و عدالت، ضرورت مبارزه دائمی با هواهای نفسانی و خودسازی و تهذیب نفس» تأکید می‌کرد، و این خود دلیلی برای اثبات مدعاست. می‌توان گفت هیچ سخنی از امام خمینی علیه السلام درباره سیاست صادر نشده است که در آن به نوعی از اخلاق اسلامی سخن نگفته باشد. تأکید فراوان ایشان بر رعایت تقوا و اخلاق اسلامی در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی، همگی اثبات‌کننده این معناست که هدف از مشارکت و رقابت سیاسی در سبک زندگی اسلامی قدرت‌طلبی نیست و نیز نمی‌توان از هر وسیله‌ای برای دستیابی به قدرت استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

بادقت در آنچه بیان شد، واضح می‌شود که آموزه‌ها و تعالیم اسلام و سیره و سخن اسلام‌شناسان بزرگی همچون امام خمینی علیه السلام درباره الگوی زندگی و سبک زندگی اسلامی حاکی از تأثیر اساسی سبک زندگی اسلامی در مشارکت و رقابت سیاسی است. مستندات منابع اسلامی، آموزه‌های اسلام و الگوهای اسلامی درباره سبک زندگی در سه حوزه فردی، اجتماعی و حکومتی، شاهدی محکم و مستند برای اثبات این اثرگذاری است. در حوزه فردی تأکید بر تفکر و تدبیر در امور، از جمله امور سیاسی و تأکید بر کسب دانش‌های مفید مانند دانش حضور در رقابت و مشارکت سیاسی و لزوم رعایت تقوا و پرهیز از فساد و فحشا و فسق و فجور در همه وضعیت‌ها از جمله در مشارکت و رقابت سیاسی و در حوزه اجتماعی رعایت امر به معروف و نهی از منکر، شورا و مشورت، شرکت در اجتماع مؤمنان و مسلمانان، وحدت و انسجام اسلامی؛ و در حوزه حکومتی و سیاسی زندگی بر اساس اهتمام به شایسته‌سالاری و سپردن امانات به اهلش، حفظ نظام اسلامی، حمایت از رهبری، برقراری عدالت اجتماعی، جلوگیری از حاکمیت اشرار و نااهلان، نیز حفظ استقلال، آزادی‌های مشروع و تمامیت ارضی و مقابله با دشمن با رعایت اخلاق و معیارهای اسلامی، اثبات‌کننده فرضیه تحقیق است. نتیجه اینکه سبک زندگی اسلامی با اثرگذاری در

مشارکت و رقابت سیاسی و تشویق فرد مسلمان به حضور فعال در صحنه‌های مربوط به سیاست و اداره جامعه، اجازه نمی‌دهد تا مسلمان و مؤمن در مشارکت و رقابت سیاسی، منافع فردی، گروهی و هوای و هوس‌های شخصی و قدرت‌طلبانه را هدف قرار دهد یا از ابزارهای نامشروع همچون تخریب، توهین، فریبکاری، وعده‌های دروغین، نیز توطئه و همکاری با دشمن و مانند آنها در رقابت‌های سیاسی بهره‌گیرد؛ زیرا این‌گونه امور نه با الگوی موجود در منابع اسلامی هماهنگ است، و نه با سیره و سنت بزرگان اسلام در سبک زندگی اسلامی تطابق دارد. در باورهای اسلامی این‌گونه امور، اقدامات شیطانی و به تعبیر امروز ماکیاویستی،^۱ خلاف تقوا و عدالت و از مصادیق برجسته منکرند، و افرادی همچون معاویه و عمرو عاص که در تاریخ اسلام از چنین شیوه‌هایی استفاده کرده‌اند، به شدت محکوم و مطرود شده‌اند. بنا بر این نمی‌توان بر اساس سبک زندگی اسلامی، اهداف نامشروع و ابزار نامشروع را در سیاست به کار گرفت.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد المدائنی (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل

ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲۰.

ابن اثیر، معز الدین (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، دار بیروت، ج ۳.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی بن محمد الخزائی النیشابوری (۱۴۰۸). روح الجنان و روح الجنان فی

تفسیر القرآن (تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی)، تحقیق محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی

ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ج ۵.

بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جمع جوانان خراسان شمالی: ۱۳۹۱/۷/۲۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاه، تحقیق و تنظیم حجج اسلام محمد حسین فلاح‌زاده،

یدالله مقدسی، سید کمال عمادی، محمود لطیفی و جعفر آریانی، قم، اسراء.

خمینی (امام)، روح الله موسوی (۱۳۶۸). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۲، ۱۵ و ۱۹.

راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه محمد صبوری، تهران، سمت.
رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف یا ابزار توسعه»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، مهر و آبان، ص ۵۴-۶۳.

السیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱). *الجامع الصغير فی احادیث البشير النذیر*، بیروت، دار الفکر، ج ۲.
صدوق (ابن) بویه، محمدابن علی (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، ج ۹.

الطوسی، محمدبن الحسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، تحقیق سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۶.

الطبرسی، ابی نصر الحسن بن الفضل (۱۳۹۲). *مکارم الاخلاق*، الطبعة السادسة.
العیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه، ج ۲.

فیرحی، داوود (۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱، تابستان، ص ۷۰-۸۸.
قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴). *نقد نظریه های نوسازی و توسعه سیاسی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

الکلینی، محمدبن یعقوب الرازی (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ۲ و ۵.
لییست، مارتین و دوز، رابرت (۱۳۷۳). *جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه محمد حسین فرجاد، تهران، توس.
مجله اینترنتی سبک زندگی. *جامعه و سیاست «سبک زندگی»*، ضرورت مهندسی اجتماعی انقلاب اسلامی « ۲۰ مهر ۱۳۹۲.

محدث نوری، میرزا حسین طبرسی، (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۹ و ۱۲.

مصفا، نسرین (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران، وزارت امور خارجه.
هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، احمد شهباس، تهران: روزنه.

<http://islamiclifestyle91.blogfa.com/post/5/1392>

<http://islamiclifestyle91.blogfa.com/post/5>، گفت و گو با آیت الله مصباح یزدی درباره سبک زندگی

اسلامی، پنجشنبه چهاردهم شهریور ۱۳۹۲.